

جایگاه تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت دانش آموزان

مرضیه شجاعی کاریزکی

کارشناسی ارشد فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه-ایران

Marziehshojaei1395@gmail.com

چکیده

تعلیم و تربیت صحیح برای دستیابی به کمال مطلوب انسان از دیرباز یکی از دغدغه های اساسی جوامع بشری بوده است. برانگیخته شدن پیامبران الهی، انذار و تیشیرهای آنان، دعوت به زندگی پاک و پرهیز از رذایل اخلاقی، در طول تاریخ گویای اهمیت این مساله هست. از آنجاکه انسان در انجام تکالیف و وظایف خودگاهی دچار انحراف می شود. لذا تشویق به عنوان عامل محرک و تنبیه به عنوان عامل بازدارنده می توانند در رسیدن به کمال مطلوب و تعدیل رفتارهای او ایفای نقش کنند. در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بر تعلیم و تربیت و نیز تشویق و تنبیه تاکید ویژه ای شده است.

با مطالعه آثار اسلامی و نیز روایات اهل بیت علیهم السلام چنین برمی آید که آن بزرگواران از تشویق بصورت کلامی و معنوی استفاده می کردند و اسلام توسل به خشونت و تنبیه را در امر تعلیم و تربیت ناپسند دانسته است، چراکه تربیت عملی طبیعیانه است و اصل در تربیت تشویق و تنبیه «آگاهی بخشی» است نه تنبیه و مجازات. از این رو در این مقاله کوشیده شده تا با واکاوی این دواصل مهم در تعلیم و تربیت تاثیرات آن مشخص و در صورت نیاز راهکارهای استفاده از این اصول مهم در تعلیم و تربیت ارائه گردد.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، تشویق، تنبیه، اسلام.

مقدمه

انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده شده و استعدادهای رسیدن به کمال در درون او گذاشته شده است. این استعدادها در اثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می‌شود. در این میان یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت اصل تشویق و تنبیه است. بر اساس همین اصل، پیامبران و برگزیدگان الهی نیز بشارت و انداز را برای هدایت انسانها به کار می‌بردند. در قرآن مجید، تشویق و تنبیه در کنار هم ذکر شده است؛ لذا تشویق و تنبیه باید توأم باشند. نهج البلاغه این گنجینه غنی معارف اسلام نیز، به کارگیری شیوه تشویق و تنبیه را به عنوان سیره امام علی (علیه السلام)، در تربیت و هدایت مردم نشان می‌دهد. (ویکی فقه، ۱۳۹۹)

در مکتب تربیتی امام علی (علیه السلام)، نمونه‌های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می‌خورد که نمایانگر ضرورت تشویق و تنبیه در نگاه آن حضرت است. آن حضرت ضمن رعایت اصل تقدّم تشویق بر تنبیه، همواره مردم و یا کارگزاران را با در نظر داشتن نکات دقیق تربیتی، مورد تشویق یا تنبیه قرار می‌دانند. در حقیقت روش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی از پیامبران و برگزیدگان الهی اقتباس شده است. آن‌ها هم بشارت می‌دادند و هم می‌ترساندند. تشویق و تنبیه در اسلام جنبه تربیتی دارد. یعنی برای تربیت بهتر نیروهای انسانی و افزایش کیفیت و کارایی، آنان تشویق یا تنبیه می‌شوند. در قرآن تشویق و تنبیه در کنار هم ذکر شده است؛ لذا تشویق و تنبیه باید توأم باشند، اگر چه تقدم با تشویق است. (سید علیپور، ۱۳۸۳).

تشویق و تنبیه در لغت:

۱) بر انگیختن یا کسی را به شوق آوردن (اقرّب الموارد)، آرزومند کردن - به شوق افکندن (فرهنگ معین، ۱۳۸۲، ص ۲۷)

تشویق از تمایلات فطری هر انسانی است که تا پایان عمر در او باقی می‌ماند. هر انسانی طبعاً خودش را دوست دارد و می‌خواهد دیگران به شخصیت او احترام بگذارند و از او قدردانی کنند. تشویق درست، به جا و به موقع باعث رشد اعتماد به نفس در انسان می‌شود. تشویق بر خلاف تنبیه که از عوامل بازدارنده است عاملی ترغیب کننده است که به انسان نیرو می‌دهد. شخصی که تشویق می‌شود از کار و زحمت خود احساس رضایت می‌کند و همین رضایت خاطر است که جلو خستگی و بی میلی او را می‌گیرد. تشویق شخصیت فرد را احیا می‌کند. گاهی یک تحسین ساده مسیر زندگی فرد را دگرگون می‌سازد. اصولاً تشویق در نهاد کودک تاثیر فوق العاده ای دارد و او را به انجام کارهای نیکوتر ترغیب می‌کند. حال اگر کودک در کارهای خوب مورد تحسین قرار گیرد به آن کارها متمایل می‌شود و برعکس. تاثیر گذارترین نکته، تشویق کودک به کارهای درست است مثلاً به او بگویید: تو تختخواب را بدون اینکه از تو خواسته شود، مرتب کردی و این عالی است. این جملات او را به رفتار هر چه بهتر تشویق می‌کند و مسلماً نتایج بهتری نسبت به زمانی که او را سرزنش می‌کنید خواهد داشت. (دلشاد، ۱۳۸۰)

۲) تشویق در اصطلاح: چون تشویق نتیجه دریافت محبت است تشویق را می‌توان هر گونه رفتار یا عملی دانست که کسی برای خوشایند دیگری انجام می‌دهد. به دیگر سخن تشویق گونه ای از پاداش و به کار بردن عامل یا عواملی است که افراد را به نیکوکاری وا می‌دارد. (همان ص ۲۸)

۱) تنبیه در لغت: برخاستن و بیدار شدن از خواب غفلت (لسان العیوب)

شخصی از فرزندش به امام علی علیه السلام شکایت کرد، ایشان فرمودند: فقال: لا تضربه و اهجره و لا تطل... اورانزن. بلکه با او قهر کن. اما قهر را طولانی نساز (محمد باقر مجلسی، ۱۳۸۲، جلد ۱۰۴، ص ۹۹)

یکی از خطرناکترین انواع تنبیهات که متأسفانه زیاد رایج است، تنبیه مضاعف است. این تنبیه را ازین جهت مضاعف گویند که شخص تنبیه شونده هم از لحاظ روانی وهم از لحاظ بدنی ممکن است تنبیه شود و یا ممکن است کودک بخاطر خطا و اشتباهی که انجام داده است توسط دو یا چند نفر تنبیه شود.

تنبیه در اصطلاح:

تنبیه عبارت است از ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه کننده (تقویت منفی) به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. (سیف، ۱۳۷۹) به عبارت دیگر ارائه یک محرک آزار دهنده به یک ارگانیزم که نتیجه ی آن کاهش قدرت فراوانی پاسخ هایی

است که پیش از تنبیه انجام شده (خویی نژاد و دیگران، ۱۳۸۸). تنبیه در اصلاح به این معناست که مربیان برای کاستن از احتمال انجام رفتاری خاص از سوی شاگرد، به کارهایی دست میزنند تا زمینه های انجام آن رفتار را در وی از بین ببرند. (خویی نژاد و دیگران، ۱۳۷۴)

تشویق در نظام تربیتی اسلام:

دین مبین اسلام از هر گونه افراط و تفریط در هر زمینه ای مبراست و به شیوه ای اعتدالی تنبیه را در موارد استثنایی و با رعایت شروطی می پذیرد. از آنجا که آبروی مومن را همسنگ آبروی کعبه می داند نشان از اهمیت دادن به شخصیت افراد است. لذا تنبیه یک روش تربیتی اولی نیست تا در تمام حالات و موقعیت ها از آن استفاده کرد. بلکه یک روش تربیتی ثانوی است. یعنی آنجا که تمام راه ها و روش های ممکن تربیتی در شرایط مختلف کارساز نبود می توان تنبیه را به کار برد. و به عبارتی آخرین راه در تربیت و اصلاح رفتار می باشد. آن هم زمانی که مطمئن شویم که تنبیه به صلاح کودک است. چه آنکه تنبیه در اسلام فقط برای مطلق کار خلاف تجویز شده آنهم در مرحله ی آخر و با مدارا و مهربانی و با در نظر گرفتن شرایط روحی سنی درک و قوه تمییز کودک و علم او نسبت به کار خلاف. آیات نورانی قران کریم سراسر انزار و تبشیر است و آنجا که نعمتهای بهشتی را بر می شمارد شوق می آفریند و آنجا که از عذاب و قهر الهی بر حذر می دارد غافلان را منبّه می سازد. همچنین روایات فراوانی در باب اکرام و محبت به کودکان و متربیان وجود دارد که در آنها به مدارای نسبت به آنها و پرهیز از خشونت اشاره شده است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰)

رسول اکرم ص می فرمایند: لیتوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه. (مستدرک الوسائل، بی تا، ج ۹، ص ۷) همچنین امام صادق (ع) می فرمایند: اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم یغفر لکم.

از مجموع این روایات بدست می آید که محبت به کودکان، عفو و اغماض از خطای آنان و متربیان در تربیت کودک مقدم بر سایر روش هاست. در آیه ی شریفه (لا یکلف الله نفساً الا وسعها....) قانون اسلام به زیبایی بیان شده است. اینکه هیچ کس را بیش از حد توان تکلیف نکرده و به طریق اولی هیچ کس را به خاطر عدم توانایی عملی مجازات نخواهد کرد. لذا نباید کاری را که بیش از حد توان کودک است از او خواست و او را بر عدم انجام عمل تنبیه نمود. بنابراین باید که در تربیت تنبیه و تشویق حالات روحی کودک حساس بودن یا نبودن، باهوش بودن، ضعف و قوت جسمی او را سنجید. (طوسی، ۱۳۸۲).

تنبیه و تشویق از دیدگاه فیلسوفان مشهور:

در باب تعلیم و تربیت تنبیه و تشویق فلاسفه نظرات مختلفی ارائه کرده اند که به اختصار به ذکر برخی از این نظریات می پردازیم: ژان ژاک روسو معتقد بود که: کودکان طبیعت مخصوص به خود را دارند و در واقع آنها را از مینیاتور افراد بزرگسال باز می شناسد و مکرراً اظهار می کرد که با کودکان باید بر طبق سن و سالشان رفتار کرد. زیرا طبیعت با کودک قبل از بالغ شدن به چشم کودک می نگرد و اگر قرار باشد چنین نظمی را بر هم بزنیم میوه های پیشرسی خواهیم داشت بی طعم که در خطر فساد قرار می گیرند. همچنین روسو قائل به فساد اجتماع و پاکی ذاتی و طبیعی کودک است. لذا می گوید کودک را باید از اجتماع و فساد دور نگه داشته شود تا بر او اثر نکند. (تعلیم و تربیت منفی) و معتقد بود که هیچ آموزش شفاهی به کودک داده نشود بلکه بگذارید از طریق تجربه به آن دست یابد و هرگز او را تنبیه بدنی نکنید زیرا هنوز علت خطای خود را نمی داند و قبل از دوران جوانی به او درس اخلاق ندهید. تا آنجا که ممکن است همه چیز را به تاخیر اندازید و وقت را ضایع کنید. این عقیده ژان ژاک روسو بر خلاف عقیده استاد البشر خواجه نصیر الدین طوسی می باشد: خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب (اخلاق ناصری) بیان می کند: و چون فرزند و وجود آید ابتدا تسمیه او باید کرد به نام نیکو....

- پس دایه ای باید اختیار کرد که احمق و معلول نباشد چه عادات بد و بیشتر علت ها به شیر تعدی کند از دایه به

فرزند....

- و چون رضاع او تمام شود به تادیب اخلاق او مشغول باید شد پیش تر از آنکه اخلاق تباه فرا گیرد چه کودک مستعد بود و به اخلاق ذمیمه بیش تر میل کند. به سبب نقصان و حاجاتی که در طبیعت او بود یعنی هر قوت که حدوث او در بنیت (بنیه) کودک بیشتر بود تکمیل آن قوت مقدم باید داشت (یعنی: هر استعداد و قوتی که در طبع کودک بارزتر و قوی تر است باید آنرا مقدم داشت و تقویت کرد. از آنجا که پیشگیری بهتر از درمان است از ابتدا باید کودک را به درستی تربیت کرد و آداب لازم را به او آموخت و مهارت ها را کم کم به او گوشزد کرد و در صورتی که علم به خطا و اشتباه و قانون شکنی داشت آن هم در موارد خاص او را تنبیه کرد. لذا اولین شرط در تربیت صحیح این است که کودک را در محیطی سالم پرورش داد. لذا خواجه نصیر الدین طوسی می فرماید: و اول چیز از تادیب او، آن بود که: او را از مخالفت اضرار که مجالست و ملاعبه ایشان مقتضی افساد طبع او بود نگاه دارند. چه نفس کودک ساده باشد و قبول صورت او از (قران) خود زودتر کند. البته این سخن را نباید با عقیده روسو مبنی بر دور نگه داشتن کودک از اجتماع بصورت مطلق اختلاط کرد. او غالب حیا بودن را در کودک نشانه ی استعداد او در ادب پذیری دانسته و سفارش می کند که در چنین حالتی پدر و مادر بسیار در ادب آموزی کودک خود بکوشند و نسبت به آن بی توجه نباشند. زیرا چنین کودکی استعداد مودب شدن بر آداب نیکو داشتن را بیش تر از دیگران دارد. کانت معتقد است که در امر تعلیم و تربیت گاهی باید به تنبیه متوسل شد. و تنبیه را به دو صورت اخلاقی و مادی می پذیرد و تاکید میکند که هدف تنبیه باید اصلاح مقصر باشد. و خواهان این است که کودکان بفهمند که هدف تنبیه فقط اصلاح خودشان است. (شکوهی، ۱۳۸۷)

بیشتر صاحب نظران مکتبهای تربیتی قدیم بصورت افراطی بر این باور بودند که کودک یا مجرم و خطاکار به دلیل طبع ناسالم و نداشتن هوش و درک کافی، سزاوار سخت ترین تنبیه هاستند. داروین و هواداران نظریه او نیز که انسان را بالفطره شرور می دانستند روح کودک و نوجوان را روح حیوانی میخواندند و می گفتند که باید آنان را مانند چهارپایان تنبیه کرد تا ادب و اخلاق را بیاموزند. توماس هابز و جان لاک دو فیلسوف مشهور غربی و برخی دیگر از فلاسفه ی مسیحی به جواز مطلق تنبیه اعتقاد دارند. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۲).
عده ای نیز بصورت تفریطی باور دارند که همواره باید تمایلات بی حدود و مرز کودک و نوجوان را بپذیریم و با فرد مجرم و خلافکار نیز مانند یک بیمار رفتار کنیم. از جمله روسو فروبل، پستالوزی از این نظریه هواداری می کنند. تنبیه خواه ناخواه پیامدهای به مراتب زیان بارتری از خود مجرم و خلاف به همراه می آورد. (همان، ص ۸۳)

همچنین ابن سینای حکیم در باب تعلیم و تربیت می فرماید: تعلیم و تربیت باید هدفمند باشد تا بهترین اثر را در مرتبه داشته باشد. ابن سینا اهداف تعلیم و تربیت را (ایمان، اخلاق نیکو، و عادات پسندیده، تندرستی، سواد، پیشه و هنر) بر می شمارد. او همچنین تعلیم و تربیت را دارای مراحل می داند که توجه به طبع کودک در هر مرحله از این مراحل ضروری است:

۱) مرحله پیش دبستانی که از دوران جنینی آغاز می شود.

۲) مرحله یادگیری در مدرسه که از سن ۶ سالگی شروع می شود.

۳) مرحله حرفه آموزی که آغاز آنرا سن بلوغ و دوره نوجوانی می داند.

این دانشمند بزرگوار به تدریس متناسب با شرایط استعداد و علاقه شاگردان تاکید می کند و برای مرحله آموزش و تعلیم دهی شیوه های مختلفی ارائه می کند که روش های تادیبی و تنبیهی از جمله این روش هاست. او همچنین می گوید: که طفل باید ابتدا از عادات زشت و کارهای نکوهیده دور باشد و با (هم درس) خوب محشور باشد. ابن سینای حکیم تربیت را بر آموزش مقدم می دارد و بر تربیت معلم و مربی قبل از تربیت مرتبه تاکید می کند و ویژگی هایی برای معلم خوب بر می شمارد. او می گوید: اولاً باید در انتخاب آموزگار و مربی کودک دقیق شد که خردمند و دیندار باشد و راه تهذیب اخلاق و پرورش و تربیت بچه را بشناسد و با وقار و سنگین و با مروت و پاکدامن و نظیف باشد و راه معاشرت را بداند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰)

خواجه نصیر الدین طوسی در این باره می گوید: و باید که معلم عاقل و دیندار بوده و بر ریاضت اخلاق و (تخریح کودکان) واقف و به شیرین سختی و وقار و هیبت و مروت و نظافت مشهور باشد و از اخلاق ملوک و آداب مجالست با ایشان و محاوره با هر طبقه ای از طبقات مردم باخبر و از اخلاق اراذل و سفالگان (محترز) باشد. یعنی لازم است که معلم بر اخلاق طبقات مختلف و شیوه

برخورد با آنان آگاهی داشته باشد. با توجه به اینکه انحراف و تربیت غلط از کودک دور باشد ضروری است نکاتی از کتاب اخلاق ناصری بیان شود:

- ۱- لازمه دقت در معاشرت با افراد و پرهیز از مهمانی های مضر به احوال کودک. ایشان می گوید... و از سخن های زشت شنیدن و لهو و بازی و مسخرگی احتراز فرمایند.
 - ۲- پرهیز از نازپروری خواب بسیار و تن پروری و تنبلی: و از خواب بسیار منع کنند که آن تغلیظ ذهن و امانت خاطر کند.
 - ۳- منع از دروغ گفتن: و از دروغ گفتن باز دارند و نگذارند که سوگند یاد کند چه به راست چه به دروغ.
 - ۴- منع از تجمل گرایی در کودکان: و زر و سیم در چشم او نکوهیده دارند.
 - ۵- لزوم بازی های سالم ایجاد فضای شاد و پر نشاط و پرداختن به ورزش
- «شرط است که بازی سالم باشد و لکن بازی او باید که جمیل باشد» همچنین این سینا به شدت به ورزش توصیه می کند و ورزش را تابع اراده می داند.

۶- توجه به طبیعت کودک و تنوع استعدادها در پر کردن اوقات فراغت و تعلیم و آموزش «اولی آن بود که در طبیعت کودک نظر کند... تا اهلیت و استعداد چه صناعت و علم در او مفظور است و او را به اکتساب آن نوع مشغول گرداند».

لزوم توجه به علاقه کودک و خودداری از اجبار کودک به پرداختن به اموری که استعداد و علاقه ندارد: «عدم تطبیق استعداد با هنر و حرفه تضییع عمر است...» قابل توجه والدینی که کودکان را در کودکی مجبور به شرکت در کلاسهای مختلف کرده که بعضا مطابق استعداد کودک نیست و صرفا برای پر کردن وقت او و فخر فروشی در میان اقوام است. خواجه نصیر الدین طوسی در باب تربیت نکاتی در آداب غذا خوردن و... دارد که بیان آن سبب طولانی شدن بحث می شود به همین اندازه بسنده می کنیم که ایشان می گوید: به کودکان بیاموزید که غذا را برای صحت بدن می خورند نه برای لذت و او را گاهی به نان خالی خوردن عادت دهند که تحمل سختی و مشکلات در او افزایش یابد.

موجه بودن یا نبودن تنبیه و تشویق

در باب مجازات بطور مطلق و تنبیه بدنی ژان ژاک روسو قائل به (نظریه مجازات طبیعی) است او می گوید:

انسان هرگز در تربیت خردسالان نیازی به مجازات و تنبیه ندارد زیرا برای هر عملی مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد. مثلا طفل از نزدیکی به آتش و سوختگی و آسیب درک می کند که دیگر نباید به آتش نزدیک شود. از این جهت انتظاراتی بر روسو وارد است تا کجا نباید کودک را از خطا و خطرات منع کرد و تا کجا او را به مجازات طبیعت واگذار کرد. آیا خطراتی که بعضا پیش روست یا عمر کوتاه انسان کفاف تجربه و مجازات طبیعی را می دهد؟

خواجه نصیرالدین طوسی قائل به تنبیه کودک در موارد استثنائی است. او توصیه می کند والدین آداب و وظایف دینی را به کودک بیاموزند. «او را بر مواظبت آن ترغیب کنند و بر امتناع از آن تادیب... و اگر خطایی از او صادر شود او را (مدح) مذمت کنند» از آنجایی که کودک بر حسب طبیعت کودکی خود کارهای ناپسندی انجام دهد لذا برای اینکه این گونه اعمال و رفتار برای او (عادت) نشوند و بصورت ملکه رفتاری در آینده همراه او نباشند و بروز نکنند می گوید که لازم است کودک را بر انجام بعضی کارهای خلاف تنبیه کرد چرا که بر اثر (تادیب بالا رفتن سن و تجربه) آنها را ترک می کند. از نظر روانشناسان تنبیه می تواند یک روش تربیتی باشد اما بر اساس مقررات و در مواردی بکار می رود که متربی رفتار ناپسند مرتکب شده و ما می خواهیم آنرا تضعیف کنیم. از آنجایی که کودک در سالهای اولیه زندگی به جلب لذا علاقه دارد لذا دادن پاداش (تشویق) یا دفع کردن او از لذت و چیزهای مورد علاقه اش (تنبیه) می تواند موثر باشد.

شرایط تنبیه:

- ۱) توجه به شرایط روحی کودک و آگاهی از مشکلات خانوادگی او وقتی کودک کاری خلاف قانونی که معنایش را می فهمد انجام می دهد مربی باید بفهمد که علت و انگیزه ایجاد این حالت در کودک چیست؟
- ۲) عوامل مختلفی از جمله خستگی بی خوابی گرسنگی تجمع انرژی در بدن عدم پذیرش محیط دلتنگی و دوری از پدر و مادر و ... می تواند در ایجاد حالت سرکشی و بی قانونی در کودک بیانجامد. لذا ضروری است که مربیان گرامی به تمامی این شرایط دقت فرمایند تا در نحوه برخورد با متربی و در مدیریت کلاس کمک کننده او نباشند. مثلا وقتی مربی در کلاس با دوستانش صحبت می کند یا نظم کلاس را بهم می ریزد باید دانست که علت این کار چیست لذا به آرامی از او می پرسیم آیا سوالی برایش ایجاد شده است یا قسمتی از درس را متوجه نشده؟ و یا اگر متربی به مربی خود بی احترامی می کند باید دانست که آیا به درس بی علاقه است یا به مربی؟
- ۲- ارائه تعریف صحیحی از قانون و آگه بودن کودک بر قانون و خوب و بد اعمال:: کودک معنی قانون را نمی فهمد و او نمی داند انجام چه کاری قانون است و عدم رعایت چه مواردی بی قانونی است چون او معنی و مفهوم کلمات را درک نمی کند. مثلا وقتی می گوئیم خبر کشی ممنوع او نمی داند که معنی (خبر) چیست. خبر کشی چیست. آیا خبر کشیدنی است؟ و حتی معنی کلمه ممنوع را نمی داند. بنابراین دانستن این امر به بالا رفتن آستانه صبر والدین و نیز مربیان در مقابل بی قانونی های کودکان کمک می کند. نکته دیگر اینکه چه کارهایی قانون است قانون را چه کسی وضع کرده آیا هر کاری که خوشایند مربی نبود بی قانونی محسوب می شود و باید متربی تنبیه شود؟ امام صادق (ع) به محمد بن خالد در مورد غلامی که دزدی کرده بود فرمودند: از او می پرسی آیا می دانی که دزدی کیفر دارد؟ اگر جواب داد بلی می گویی عقوبت آن چیست؟ اگر نمی دانست که کیفر آن قطع دست است پس او را رها می کنی (مستدرک الوسایل ووسایل الشیعه، ۱۳۸۲)
- ۳- هم نسخ بودن تنبیه با عمل کودک مثلا در مقابل کودک نامنظم چه رفتاری باید کرد؟ آیا باید او را کتک زد یا مجبور کردن او به نظم لوازم کفایت می کند؟
- ۴- پرهیز از توهین و برانگیختن حس کینه و انتقام جویی: هرگز نباید فراموش کرد که مادر تنبیه به دنبال گوشزد کردن بی قانونی فرد هستیم نه در صدد توهین و تخریب شخصیت او. لذا بایستی از سخنان کنایه آمیز ناسزا تمسخر به رخ کشیدن عیوب خشونت و یا تنبیه بدنی و یا تنبیه جمعی خودداری کرد. چرا که این موارد نه تنها بازدارنده نیست که اغلب باعث ایجاد کینه و حس انتقام جویی می شود بنابراین لازم است بسیار محتاطانه عمل کرد.
- ۵- تنبیه باید محکم، جدی و قاطع و توأم با نرمی و ملامت باشد.
- ۶- پرهیز از تکرار و مداومت بر تنبیه و سرزنش بیجای کودک: باید که از سرزنش و تکرار و به رخ کشیدن کار خلاف کودک جدا خودداری کرد. چرا که امیرالمومنین (ع) می فرماید: ملامت و سرزنش کودک باعث لجبختی می شود. (غرر الحکم ج ۱ ص ۷۵) خواهی نصیر الدین طوسی می گوید: و از عادت گرفتن توبیخ و مکاشفت احتراز باید کرد که موجب وقاحت شود و ...
- ۷- پرهیز از تنبیه در حالات عصبانیت و دخالت دادن مشکلات شخصی در تنبیه کودک. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: نهی النبی عن الادب عند الغضب (ابن شعب حرانی، تحف العقول، بی تا، ص ۸۴) همچنین مربی نباید برای تخلیه روانی خود و راحتی از فشار عصبی کودک را مورد تنبیه قرار دهد.

امام علی (ع): ینبغی لمعلم الاطفال ان یراعی منهم حتی یخلص ادبهم لمنافعهم و لیس لمعلم فی ذالک شغل من غضبه و لا یریح قلبه من غیظه فان ذالک ان اصابه فانما ضرب اولاد المسلمین لراحه نفسها و هو لیس من العدل (نهج التریبه للطفل ص ۳۷۱) ۸- پرهیز از تنبیه و توبیخ صریح و استفاده از اصل تغافل: ضروری است که گاهی از اعمال خطای کودک چشم پوشی کرد. و در صورت عدم تکرار دیگر آنها را یادآوری نکنیم و به رخ کودک نکشیم. خواجه نصیر الدین طوسی بیان می دارد: (و.....) و صریح فرا ننماید که بر قبیح اقدام نموده است بلکه او را به تغافل منسوب کنند تا بر تجاسر اقدام ننماید (....) ۹- پرهیز از تنبیه بدنی:

شخصی از فرزندش به امام علی علیه السلام شکایت کرد، ایشان فرمودند: فقال: لاتضربه و اهجره و لاتطل... اوران زن. بلکه با او قهر کن. اما قهر را طولانی نساز (محمد باقر مجلسی، جلد ۱۰ ص ۹۹) ۱۰- پرهیز از تنبیه مضاعف:

یکی از خطرناکترین انواع تنبیهات است که متأسفانه زیاد رایج است، تنبیه مضاعف است. این تنبیه را ازین جهت مضاعف گویند که شخص تنبیه شونده هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ بدنی ممکن است تنبیه شود و یاممکن است کودک بخاطر خطا و اشتباهی که انجام داده است توسط دو یا چند نفر تنبیه شود.

معایب تشویق بیجا:

- ۱- وابستگی کودک به عوامل کنترل بیرون از خود و کند شدن محرک های درونی
 - ۲- تشویق بدون دقت و به عبارتی تشویق بزرگ در برابر عمل کوچک به شکل باج و رشوه عمل می کند.
 - ۳- کودک در آینده پرتوقع و طلبکار بار می آید.
 - ۴- او را دچار خود بزرگ بینی و غرور می کند.
- اما علی (ع) می فرماید: چه بسا افرادی که به سبب تعریف و تمجید مغرور می شوند. و در مدح کسی زیاده روی و مبالغه نکن.

نتیجه گیری

یکی از ابزارهای اصلاح و تربیت، در میان صاحب نظران تعلیم و تربیت تشویق و تنبیه است آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام از طریق انذار و تبشیر، وعده و وعید، ترغیب و ترهیب به آموزش و پرورش روح و جسم انسانها و شکوفاسازی استعدادهای آنان در جهت کمال پرداخته اند. در تعلیم و تربیت، امر تشویق و تنبیه به عنوان یکی از عوامل و محرک های مهم تلقی می شود. در سایه تشویق می توان فرد را به کارهای مطلوب واداشت و عملکرد او را به راه صحیح هدایت کرد. همچنین تنبیه یکی از ابزارهای تعلیم و تربیت است تا با گوشزد کردن خطاها و اشتباهات به فرد او را در مسیر درست قرار داده و از بسیاری از آسیب های اجتماعی که ممکن است برای فرد پدید آید جلوگیری کند. امید آن است که این تحقیق ره توشه ای برای برنامه ریزان و برنامه سازان تعلیم و تربیت جهت ایجاد جامعه ای سالم و آباد باشد.

منابع و مأخذ

- خوبی نژاد و دیگران (۱۳۷۴) روانشناسی تربیتی، مشهد: انتشارات پاژ
- خوئی نژاد، غلام رضا (۱۳۷۴) روان شناسی تربیتی، چاپ اول، مشهد: نشر پاژ.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰) سیری در تربیت اسلامی، چاپ اول، تهران: ذکر.
- سید علیپور، سید خلیل (۱۳۸۳) نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی، مجله پژوهشگر، شماره ۱.
- سیدمجتبی، هاشمی رکاوندی (۱۳۷۲) تربیت و شخصیت انسانی قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹) روانشناسی تربیتی. انتشارات پیام نور. چاپ پنجم.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۷) تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: به نشر
- طوسی، اسدالله (۱۳۸۶) دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، چاپ اول، تهران: طلوع قلم.

- مجلسی، محمد باقر. (علامه مجلسی)(۱۳۸۲) بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد(۱۳۸۲) فرهنگ معین، چاپ اول، تهران: زرین با همکاری نگارستان کتاب.
- موسوی، محمد(۱۳۸۵) نهج البلاغه، چاپ یازدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، حکمت ۳۶۸.
- نوری طبرسی، حسین(۱۳۸۲) مستدرک الوسایل فی مستنبط المسائل، قم: المكتبة الاسلامیة، ۱۳۸۲ق، ج ۱۸. خوانساری، محمد.
- (آقا جمال)(۱۳۷۳) شرح غررالحکم و دررالکلم، چاپ پنجم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه .
- نوری طبرسی، حسین. (میرزای نوری)(۱۳۸۲ق) مستدرک الوسایل فی مستنبط المسائل، قم: المكتبة الاسلامیة.